

فضیلت‌گرایی غایت‌انگار؛ سلوک شهید سلیمانی در حیطه اخلاق نظامی

معصومه سالاری‌راد*

منا فریدی خورشیدی**

چکیده

اخلاق هنجاری درصدد ارائه معیاری برای تعیین حسن و قبح افعال اختیاری انسان در موقعیت‌های مختلف است. تصویرسازی نظریه اخلاق هنجاری جنگ در حیطه فعالیت‌ها و نبوغ نظامی شهید حاج‌قاسم سلیمانی از اولویت‌های معرفی شخصیت برجسته ایشان در راستای الگوسازی از اهداف این پژوهش است. مطالعه چالشی نوع سلوک حاج‌قاسم در جنگ به دلیل تراز بودن شخصیت ایشان اهمیت ویژه‌ای دارد. روش مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی و ناظر به سبک زندگی ایشان است. پرسش اصلی پژوهش این است که بررسی سلوک شهید حاج‌قاسم سلیمانی در حیطه جنگ و اخلاق نظامی ناظر به کدام‌یک از نظریه‌های اخلاق هنجاری است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با توجه به مؤلفه‌های اساسی درون‌متنی چون الگومحوری، رعایت موازین اخلاقی و حدود شرعی در میدان نظامی، نوع‌دوستی و اخلاص در منش و رفتار نظامی شهید سلیمانی، می‌توان تصویری از نظریه فضیلت‌محوری غایت‌گرا را در سلوک نظامی ایشان استنباط کرد.

واژگان کلیدی

اخلاق هنجاری، اخلاق جنگ، حاج‌قاسم سلیمانی، غایت‌انگاری، فضیلت‌گرایی.

*. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
salarirad2022@pnu.ac.ir

** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران.
m.faridi@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

طرح مسئله

امروزه مباحث اخلاق هنجاری^۱ در کنار موضوعات فرااخلاق^۲، مهم‌ترین سرفصل‌های فلسفه اخلاق را شامل می‌شوند. چون اخلاق هنجاری راهنما و هادی اعمال و افعال اختیاری انسان است، اخلاق مرتبه اول یا اخلاق درجه اول نامیده می‌شود (جوادی، ۱۳۷۵: ۵۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۰ - ۱۹). اخلاق هنجاری قاعده و مبنایی برای اصول و ارزش‌های اخلاقی است. این زیرمجموعه فلسفه اخلاق را می‌توان دارای دو سطح اخلاق هنجاری نظری و اخلاق هنجاری کاربردی دانست. اخلاق هنجاری نظری در جست‌وجوی اصول اخلاقی بسیار کلی است، درحالی‌که اخلاق هنجاری کاربردی به معنای کاربرد نظریه‌های اخلاقی در مسائل اخلاقی خاص است. به عنوان مثال، درباره مسئله جنگ خوب و بد کدام است؟ (هولمز، ۱۳۸۵: ۴۸) در حوزه اخلاق هنجاری، چهار نظریه شاخص در باب معیار صواب و خطا در افعال ارادی انسان وجود دارد: نظریه‌های فضیلت‌محورانه، نظریات وظیفه‌گروانه، نظریه‌های غایت‌انگارانه و رویکردهای قراردادگروانه. نظریه فایده‌گرایی (سودگرایی) به معنای لذت‌گرایی یا کمال‌گرایی از نمونه‌های رویکرد غایت‌محور (نتیجه‌محور) است. در حوزه فضیلت‌گرایی، رویکرد فضیلت‌محوری غایت‌انگار که نوعی کمال‌گرایی غایت‌انگار محسوب می‌شود (مانند فضیلت‌محوری در ادیان الهی) و فضیلت‌محوری غیرغایت‌انگار (مثل رویکرد ارسطو و پینکافس^۳ به فضیلت) قرار می‌گیرند (پینکافس، ۱۳۸۲: ۱۶). نظریه فضیلت‌مدار الگوگرا نیز گونه دیگری از نظریه فضیلت‌گرایی است که لیندا زاگزبسکی^۴ آن را مطرح کرد.

مطابق نظریه فضیلت‌محور، عملی اخلاقی است که در جهت رشد شخصیت انسان باشد. آغازگر این نظریه ارسطو بود و در قرن بیستم توسط مک‌این‌تایر^۵ و فیلیپا فوت^۶ این نظریه مطرح شد. در نظریه‌های فضیلت‌محور به جای تأکید بر اصول اخلاقی و پیامدهای مترتب بر آنها، بر نقش کنشگر اخلاقی تأکید می‌شود. صرف نظر از این تقسیم‌بندی، هدف اصلی پژوهش‌های هنجاری یا دستوری در حیطه فلسفه اخلاق، هدایت انسان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و احکام مربوط به افعال اختیاری افراد در موقعیت‌های خاص و حل تعارضات اخلاقی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۴). یکی از موقعیت‌های ویژه‌ای که اخلاق هنجاری درصدد بیان معیاری برای حسن و قبح رفتارهای اختیاری افراد است،

1. normative ethics.

2. metaethics.

3. Edmond Pincoffs.

4. Linda Trinkaus Zagzebski.

5. Alasdair MacIntyre.

6. Philippa Ruth Foot.

میدان جنگ و مبارزه نظامی است. در میدان نظامی چالش‌ها و تعارض‌هایی وجود دارد که منطبق با نظریه‌های موجود در حیطه اخلاق هنجاری می‌توان اعمال و افعال افراد را تحلیل کرد. از سوی دیگر، با توجه به غایت پژوهش‌های هنجاری و با گسترش انقلاب اسلامی در سطح کلان و در میان ملت‌ها باید به دنبال الگوسازی نظام جمهوری اسلامی بود (بیانات، ۱۳۸۷/۳/۱۴، دسترسی در: <https://khl.ink/f/346>).

یکی از راه‌های الگوسازی جمهوری اسلامی ایران معرفی شخصیت‌های مؤثر و تراز انقلاب اسلامی و تصویرسازی نظام باورها و رفتارهای آنها ضمن ترسیم الگوواره اخلاق هنجاری حاکم بر سلوک و منش عملی در حوزه مدیریت و عملکرد آنهاست. شهید حاج قاسم سلیمانی از مدیران مدبر و اخلاق‌مدار نظامی بود که با انگیزه و آرمان الهی، با شور و صف‌ناپذیر و نبوغ منحصر به فرد نظامی سعی در ماندگاری و ترقی تفکر ناب اسلامی داشت و به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب، شهید سلیمانی ملی‌ترین و امتی‌ترین شخصیت ایران و دنیای اسلام است (بیانات: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱، دسترسی در: <https://khl.ink/f/49260>). شخصیت ملی و ملتی است. نوع عملکرد وی سبب نشاط انقلاب اسلامی و صدور آن به ملت‌های منطقه و جهان شد. به بیان مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش و خودسازی می‌کند و به چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل می‌شود (بیانات: ۱۳۹۹/۹/۲۶، <https://khl.ink/f/46944>). در این راستا الگوسازی شخصیت این قهرمان امت اسلامی و معرفی جوانب متعدد زندگی ایشان بسیار حائز اهمیت است.

با این هدف، در پی کشف نظریه اخلاق نظامی ایشان مطابق با رویکردهای موجود در حیطه اخلاق هنجاری هستیم. مقومات و مستندات استدلال‌مان عملکرد اخلاقی و نوع سلوک شهید حاج قاسم سلیمانی در جنگ است. پس، استدلال‌های متن مبتنی بر مقدمات عقلی و نقلی است.

پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در باب اخلاق جنگ مبتنی بر قرآن و سنت و آثار ادبی است و به سبک بررسی نقل، و به شیوه روایی نگاشته شده‌اند. سمیه باقری و همکارانش (۱۳۹۲) در مقاله «اخلاق نظامی پیامبر ﷺ در جنگ» با همین رویکرد نقلی به مسئله اخلاق جنگ پرداخته‌اند. نویسندگان مقاله «اخلاق جنگ در متون ادبی و حماسی فارسی» (۱۳۸۵) صرفاً به لحاظ ادبی و از بعد حماسی به

بررسی اخلاق جنگ پرداخته است. مقاله حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی (۱۳۹۱) تحت عنوان «بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث» متضمن تحلیل معنای اخلاق جنگ از منظر قرآن و روایات است. نورمحمدی نجف‌آبادی و همکارانش (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «نظریه جنگ عادلانه و اخلاق‌مداری در جنگ در میان مسلمانان بر پایه آداب‌الحرب‌ها»، با تمرکز بر آداب‌الحرب‌های شناخته‌شده اسلامی، انطباق نظریه جنگ عادلانه با بایدها و نبایدهای اخلاقی جنگ از دیدگاه مؤلفان این متون نظامی را نشان می‌دهد. برخلاف همه پژوهش‌های یادشده، این نوشتار درصدد بررسی سلوک نظامی شهید حاج قاسم سلیمانی مبتنی بر یکی از رویکردهای اخلاق هنجاری است. درواقع، کشف نظریه اخلاق هنجاری ایشان در حوزه جنگ و اخلاق نظامی که تاکنون هیچ اثری به آن نپرداخته است، موضوعیت دارد. بر اساس چهارچوب ترسیم‌شده در این پژوهش، ساختار و سیر چیش و نظام‌واره مباحث ارائه‌شده به‌گونه‌ای است که ابتدا به مفهوم‌شناسی پژوهش پرداخته، سپس در مرحله دیگر، نمونه‌هایی از رفتار و منش نظامی شهید سلیمانی مطابق با مؤلفه‌های اخلاق عملی نظریه هنجاری موردبحث، احصا شده است. برای یافتن شواهدی در تأیید مدعای خویش، مبحث اخلاق جنگ و نظریه مختار را مدخل ورود به بحث می‌نهیم، سپس با تکیه بر مستندات رفتاری و کلامی شهید سلیمانی، غلبه نظریه مذکور را نشان می‌دهیم.

مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق جنگ

«اخلاق جنگ» واژه‌ای نوپاست که بیش از نیم قرن از طرح آن نمی‌گذرد و متضمن رعایت موازین و اصول اخلاقی در میدان جنگ است؛ خواه کیفیت و چگونگی شروع جنگ مدنظر باشد یا اینکه چگونگی اداره و ادامه آن منظور شود. در هر دو حالت، رعایت ارزش‌های اخلاقی در میدان نظامی مد نظر است (محلاتی، ۱۳۸۵: ۹۵ - ۹۴). به گفته برخی محققان، ددمنشی ادامه‌دار در جنگ برخلاف کنوانسیون‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی، برخی را به این باور می‌رساند که به‌کارگیری اخلاق در جنگ امری محال و نشدنی است (موزلی، ۱۳۹۱: ۵۶ - ۵۵). مجاهدت‌های اندیشمندان حوزه‌های متعدد علوم انسانی برای تبیین نسبت اخلاق با جنگ، بستر دیدگاه‌های مختلفی است که همه آنها ذیل عنوان اخلاق جنگ قرار می‌گیرد. در این میان، سه نظریه مطرح شده است که عبارت‌اند از نظریه صلح‌گرایی، رویکرد واقع‌گرایی و نظریه جنگ عادلانه (Orend, 2005: 3). از میان این دیدگاه‌ها،

نظریه جنگ عادلانه مهم‌ترین آنهاست. این نظریه با تکیه بر عدالت به عنوان غایت اخلاقی، سعی بر توجیه اخلاقی بودن جنگ دارد (نورمحمدی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲). این غایت اخلاقی در سه سطح شروع جنگ، حین جنگ و نحوه پایان جنگ کاربرد دارد (Orend, 2005: 3). در بررسی نظریه اخلاق جنگ، سعی بر این است که در تمام این سطوح، ارزش‌های اخلاقی، موازین و اصول انسانی لحاظ و اجرا شود. موازین اخلاقی و عدالت در حین جنگ از اصولی‌اند که در جنگ لازم‌الاجرا هستند. این ارزش‌ها به رفتار اخلاقی و منش اختیاری فرماندهان، افسران، سربازان و همه افراد دخیل در جنگ مرتبط می‌شود. برخی از این اصول و ارزش‌های اخلاقی عبارت‌اند از: پیروی از قواعد و ضوابط بین‌المللی، عدم تعرض به غیرنظامیان، خوش‌رفتاری با اسیران، عدم استفاده از روش‌های منحوط و غیراخلاقی چون نسل‌کشی، تجاوز به عنف، شکنجه، به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی، قتل گروهی، قتل عام کودکان و زنان و مثله کردن.

عموماً در میدان جنگ فضایل و اصول اخلاقی به فراموشی سپرده می‌شود و افراد مرتکب جنایات، تعدی‌ها و مفاسدی می‌شوند. بنیان‌گذار علم روان‌کاوی می‌گوید: دولت‌ها و حکومت‌های آنها در زمان جنگ آنچه را که در دوران صلح برای افراد ممنوع است مجاز می‌دانند. این گونه است که افراد با نهایت تنفر می‌توانند به آنچه در زمان صلح به شکل مبهمی احساس می‌کردند در هنگام جنگ پی ببرند و بدانند که اگر حکومت از ظلم و تعدی افراد جلوگیری می‌کند، به این دلیل نیست که نظرش مبارزه با ظلم و تعدی یا مناهای اخلاقی باشد، بلکه قصد دارد ظلم را هم منحصر به خود کند. دولت‌ها با هر نوع حکومتی در زمان جنگ، هرگونه وقاحت، ستمگری و بی‌شرمی را که موجب هتک حیثیت و آبروی افراد می‌شود، برای خود مجاز و آزاد می‌شمارند. آنها در برابر دشمن نه تنها به ظلم و ستم اقناع نمی‌کنند، بلکه از هرگونه نیرنگ و دروغ بی‌شرمانه هم فروگذار نمی‌کنند. دولت در این گونه مواقع حداکثر اطاعت و فرمان‌بری را به افراد تحمیل می‌کند؛ اما درمقابل، با آنان رفتاری ناشایست پیش می‌گیرد و با پنهان کردن حقیقت و تفتیش عقاید و آرای آنها تحلیلشان می‌برد. در بین این مضیقه‌های فکری و اضطراب‌های روحی، اخباری دروغ‌پخش و افراد را به جنگ و تهاجم بر ملتی دیگر تحریک می‌کند. در این میان، دولت عهدنامه‌ها و قراردادهایی را که با سایر دول داشت، بر اثر احساس قدرت و شهوت استیلای بر دیگران، بدون واهمه و ترس، نقض می‌کند. در جنگ‌های ننگین تاریخ و نبردهای استعماری جنایت‌بار دنیای امروز، نمونه‌های فراوانی از این نوع توحش به چشم می‌خورد؛ کسانی که با تفکر جاهلی، اما با ظاهر مدرن و متمدن برای توسعه نفوذ و حفظ منافع

خود در کشورهای جهان سوم، بی‌رحمانه‌ترین جنگ‌های تاریخ را رقم زدند. در تجاوز عراق به خاک ایران و لشکرکشی آمریکا و نیروهای ناتو به عراق هیچ اصول اخلاقی و انسانی مراعات نشد؛ درحالی‌که در تمام جنگ‌هایی که در صدر اسلام به وقوع پیوست، وجود مقدس پیامبر رحمت ﷺ سعی بر اجرای اصول اخلاقی نظامی، مراعات حقوق انسان‌ها و اجرای احکام و دستورهای الهی داشتند.

امروزه در بسیاری از جنگ‌ها، در یک طرف سهمگین‌ترین سلاح‌های روز به کار گرفته می‌شود و در طرف مقابل ابزارهایی که در حکم سلاح‌های اولیه است و آن چیزی که محلی از اعتبار ندارد اصول، ارزش‌های اخلاقی و مسائل انسانی است. مهم‌ترین چیزی که جهاد اسلامی را از سایر جنگ‌های تاریخ متمایز می‌سازد، همان سیطره ارزش‌های اخلاقی بر روابط و مقررات نظامی در ایام جنگ است. دین مبین اسلام ضمن اینکه قواعد اخلاقی جنگ را ترسیم کرده، عمل به آن را هم الزامی و تضمین کرده است:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال / ۶۰).

اسلام حتی در بحبوحه جنگ نیز فراموش نمی‌کند که هدفش اصلاح جامعه بشری، اجرای احکام الهی و ترویج فضایل اخلاقی و انسانی است (الهامی، ۱۳۷۸: ۴ - ۲). این هدف مقدس را لحظه‌ای از نظر دور نمی‌دارد و در هر شرایطی این اصول اساسی را متذکر می‌شود.

۲. فضیلت‌گرایی

برخی اخلاق‌پژوهان معاصر بر این باورند که آموزه‌های وحیانی در باب اخلاق متناسب با تفاوت معرفت و ظرفیت انسان‌ها نازل شده و معیار ارزش اخلاقی در هریک از سطوح ایمانی متفاوت است. با توجه به معرفت و مراتب ایمان مؤمنان، اسلام دارای سه نظریه اخلاق هنجاری است: غایت‌گروی مختص آن دسته از مؤمنان است که پایین‌ترین سطح ایمان را دارند؛ وظیفه‌گروی اخلاقی از آن کسانی است که دارای معرفت و ایمان حدوسط‌اند؛ اما فضیلت‌محوری شایسته و زیبنده مؤمنانی است که سطح ایمان و معرفتشان بالاتر از دو گروه دیگر است (حسینی رامندی، ۱۳۹۹: ۴۳ - ۴۲). غایت‌گرایان معیار حسن و قبح عمل را وابسته به نتایج و لوازم آن عمل می‌دانند. این رویکرد که به نتیجه‌گرایی هم معروف است، ملاک نهایی خوب یا بد بودن افعال را در اموری می‌داند که از لوازم

عمل محسوب می‌شوند؛ مانند قدرت، لذت، کمال و معرفت. گاه نتیجه عمل بیشترین خیر یا شر برای خود فاعل در پی دارد که خودگروی نام دارد. اگر نتیجه فعل بیشترین خیر همگانی را شامل شود، دیگرگروی نامیده می‌شود (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۶ - ۴۵). پاسخ قرآن به این پرسش که چرا باید ملزم به رعایت اصول اخلاقی بود، عبارتی نظیر «لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ» (بقره / ۱۸۹؛ آل عمران / ۲۰۰) است. این پاسخ سازگاری اخلاق قرآن با غایت‌گرایی را نمایان می‌سازد. البته این سخن به معنای انطباق کامل نظریه اخلاق اسلام با غایت‌گرایی نیست (حسینی رامندی، ۱۳۹۹: ۴۴ - ۴۳). غایت‌گرایی قرآنی با توجه به مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خاصی که دارد، از جهت مصداق متفاوت با غایت‌گروی در نظریات اخلاق هنجاری است و قرائتی الهیاتی از این نظریه محسوب می‌شود (حسینی و خوش‌منش، ۱۴۰۱: ۳۱). در مقابل این رویکرد، وظیفه‌گرایان خوب یا بد بودن فعل را خصوصیت و وصف ذاتی فعل می‌دانند و لوازم فعل را ملاک اخلاقی بودن یا غیراخلاقی بودنش به شمار نمی‌آورند.

برخلاف این دو دیدگاه، فضیلت‌گروی که قدمتی به موازات علم اخلاق دارد، رویکردی است در اخلاق هنجاری که طرفداران آن فضیلت و حال درونی پدیدآمده در فاعل را معیار قرار می‌دهند. بر این اساس، اتصاف افعال اختیاری انسان به حسن و قبح، مشروط به تأثیری است که در حال درونی فرد (فضیلت) ایجاد می‌کند: فردی که به تبع آن عمل اختیاری، حال درونی خوبی داشته باشد، به لحاظ اخلاقی فعلش خوب تلقی می‌شود. پس، دو انسانی که فعلشان به لحاظ ظاهر شبیه هم باشد، اما ساحت باطنی‌شان (نیت) مشابه نباشد، عملشان به لحاظ اخلاقی متفاوت است (Swanton, 2003: 238). طرفداران اخلاق فضیلت بر این عقیده‌اند که اگر فاعل در انجام عملش انگیزه درست داشته باشد و فعلش به سبب فضیلت و ارزشمند بودنش انجام گیرد، آن عمل اخلاقی است. فضیلت‌گراها سعی در ترغیب انسان‌ها در جهت رشد فضایل و کمالات شایسته در وجود خویش دارند. مهم فضیلت‌مند شدن فاعل است (حسینی و خوش‌منش، ۱۴۰۱: ۳۹). در این رویکرد هنجاری، فاعل فعل و اوصاف و ملکات روحی و شخصیتی وی کانون توجه فضیلت‌گرایان است. آنها در پی ارائه معیاری هستند که مطابق با آن منش و رفتار انسان درست شود؛ که در صورت تحقق این امر، طبیعتاً کنش وی نیز شایسته و درست خواهد بود.

در این پژوهش، رویکرد وظیفه‌گروی پیش‌فرض و پیش‌زمینه است. در اخلاق نظامی شهید سلیمانی، پیش‌فرض این است که تمام تصمیم‌گیری‌ها و عملکردهای ایشان مطابق مصلحتی است که امام جامعه می‌اندیشد و با این پیش‌زمینه وظیفه معنا می‌یابد: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره / ۲۰۷)؛ یعنی وظیفه در جهت رسیدن به قرب و رضایت الهی است؛ منتها اصل بر رویکرد فضیلت‌گرایی است و درحقیقت، فضیلت‌مندی عمل معیار ارزش اخلاقی فعل است. بر اساس ادبیات رفتاری شهید سلیمانی، زمانی می‌توان به غایت مطلوب اخلاقی رسید که عمل بر اساس وظیفه و بهره‌مند از فضیلت باشد. در این حالت، نتیجه و خروجی این عمل بهترین و کامل‌ترین دستاورد و هدف اخلاقی است. نقش باورها و اصول اعتقادی در تعین و تبیین نظریه اخلاق نظامی شهید سلیمانی اغماض‌پذیر نیست. نقش بی‌بدیل توحیداندیشی و معادباوری در نظریه اخلاق هنجاری مرتبط با حوزه نظامی ایشان بسیار تأثیرگذار است.

گفتنی است لیندا زاگزبسکی با تمسک به نظریه ارجاع مستقیم، بر این باور است که مفاهیم اخلاقی از راه ارجاع مستقیم به مصادیقشان تعریف می‌شوند (Zagzebski, 2010: 50). از پیامدهای مهم این نظریه پسینی بودن مفاهیم ضروری اخلاقی است. به عقیده وی، «مفاهیم بنیادی اخلاقی بر الگوهای خوب اخلاقی استوارند» (Ibid: 51). مفهوم فضیلت و ردیلت به زنجیره‌ای از نمونه‌های بالفعل خوبی و بدی وابسته است که با ارجاع مستقیم به این الگوها می‌توان خوب و بد را شناخت و درواقع تمام اوصاف، افعال و نتایج اخلاقی اشخاص از طریق ارجاع و اشاره به شخص الگوی خوب تعریف می‌شود. این الگوها تحسین‌برانگیز و سزاوار تقلید هستند (Ibid). به تعبیر زاگزبسکی، با این رویکرد، شخص الگو به نحو فزاینده‌ای قابل شناخت و دست‌یافتنی خواهد بود. از آنجاکه آموزش اخلاقی و تثبیت ارزش‌های اخلاقی در افراد عمدتاً با تقلید از الگوها صورت می‌گیرد و فرد آگاهانه و به طور ارادی رفتارهای خوب را از الگوهای خوب تقلید می‌کند، با در پیش گرفتن رویکرد فضیلت‌گرایی الگومحور، باید الگوی خوب را به عنوان ملاک و معیار در حوزه اخلاق لحاظ کرد و به واسطه تقلید و ارجاع مستقیم به او نزدیک شد (شهریاری، ۱۳۹۴: ۴۸). درواقع، تمام خصایص، رفتارها، عواطف و منش شخص الگوی خوب سزاوار تمجید و تقلید است.

با بهره‌گیری از روایت زاگزبسکی از فضیلت‌گرایی الگومحور، می‌توان شهید حاج قاسم سلیمانی را ملاک و معیار در حوزه اخلاق معرفی کرد، که با ارجاع مستقیم به اوصاف، رفتار و منش اخلاقی این الگوی خوب، در حیطه آموزش و تثبیت ارزش‌های اخلاقی در آحاد جامعه به تأسی از او می‌توان همت گماشت. در همین راستا به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌ها و اصول اساسی نظریه فضیلت‌گرایی غایت‌انگار به عنوان رویکرد هنجاری غالب در حیطه عملکرد نظامی شهید سلیمانی می‌پردازیم و این امر گامی مهم در الگوسازی و معرفی شاخص‌های عملکرد اخلاقی ایشان است.

مؤلفه‌های اخلاق مبتنی بر فضیلت غایت‌نگر

مؤلفه‌ها و عناصر مهم تشکیل‌دهنده اخلاق مبتنی بر فضیلت‌گروی غایت‌نگر عبارت‌اند از: تأکید بر فاعل به جای فعل، ارزش ذاتی فضیلت، تأثیر فضیلت در معرفت و تقدم آن بر الزام، اهمیت ویژه نیت و انگیزه و نقش مهم و سازنده الگوی اخلاقی (خزاعی، ۱۳۸۰: ۵۷ - ۵۰). یکی از اصول فضیلت‌گرایی معرفی الگوها و اسوه‌های اخلاقی است (صادقی، ۱۳۹۹: ۱۷۴). در اخلاق فضیلت اسوه‌های اخلاقی نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارند. آنها فضایل اخلاقی را در خود رشد می‌دهند و شکوفا می‌کنند. پس، اعمال و رفتارهای اختیاری آنها منبعث از ملکات درونی‌شان است. صفات پسندیده تا حد کمال در وجودشان پرورش یافته است و از این‌رو، الگوهای اخلاقی از عناصر و مقومات اخلاق به شمار می‌آیند. مطابق سیاق آیات قرآن کریم، انسان باید به منش و سلوک الگوهای اخلاقی توجه کند و رفتار آنها را معیار قرار دهد. خداوند متعال در قرآن کریم حضرت محمد، اهل بیت ایشان، انبیای الهی و بسیاری از انسان‌های شایسته همچون لقمان و آسیه علیها السلام را اسوه و الگوی اخلاقی معرفی می‌کند.

شهید سلیمانی به اتکای مبانی متافیزیکی و باورهای دینی‌اش، ائمه اطهار علیهم السلام را الگوی جامع فضیلت می‌داند. در اندیشه وی، وجود مقدس نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت معصوم ایشان انسان کامل و واسطه فیض الهی‌اند. انسان کامل جامع تمام نشئت وجودی و روشن‌ترین راه و الگو در سلوک معنوی و سیر الی‌الله است. درحقیقت، این الگوهای اخلاقی برجسته‌ترین معیار فضیلت‌مداری و سلوک اخلاقی محسوب می‌شوند. به واسطه اتصال به این سرچشمه‌های غنی اخلاقی و معرفتی، خود شهید هم نمونه‌ای از الگوهای سازنده اخلاقی و معنوی رشدیافته در مکتب معصومان علیهم السلام است؛ شخصیتی که با داشتن مسئولیت‌های سخت مدیریتی، هیچ‌گاه از مسیر رشد و تعالی اخلاقی و خدمت به انسان‌ها خارج نشد. پس، ضمن اینکه در حیطه اخلاق فضیلت نظامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر معصومان علیهم السلام الگوی رفتار وی هستند، منش و رفتار خود شهید هم الگوی اخلاقی برای ملت و امت اسلامی است.

انگیزه، نیت یا همان حسن فاعلی یکی از مؤلفه‌های مهم اخلاق فضیلت، شاکله و روح عمل نامیده می‌شود. بر اساس رویکرد فضیلت‌محوری، صرف داشتن «حسن فعلی» برای ارزش‌گذاری یک عمل کفایت نمی‌کند، بلکه «حسن فاعلی» یا همان نیت نیک داشتن هم در انجام آن عمل باید لحاظ شود. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «نیت برتر از عمل است. آگاه باشید که نیت خود عمل است» و

در تأیید این سخن، آیه شریفه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء / ۸۴) را بیان و «شاکله» را به «نیت» تعبیر کرده‌اند (کلینی، ۱۴۱۴ ق: ۲ / ۴). از دیدگاه اسلام، کار اخلاقی و ارزشمند صرفاً برای رضای خداوند انجام می‌گیرد و ارتباط نیت با خداوند مراتب متعددی دارد: برخی به سبب ترس از عذاب الهی و جهنم، کارهای خویش را انجام می‌دهند؛ انگیزه برخی دیگر در انجام اعمال خویش، دستیابی به نعمت‌های الهی و بهره‌مندی از رضوان الهی است؛ دسته سوم کسانی‌اند که در اعمال و رفتارهایشان صرفاً به دنبال کسب رضایت و خشنودی پروردگار متعال‌اند (شریفی، ۱۳۸۸: ۴۵). نکته مهم در باب اهمیت نیت و نقش محوری آن در فضیلت‌مندی افعال انسان این است که تأثیر نیت بر کار و اثر کار بر تکامل نفس انسانی و رسیدن به سعادت جاودانه و کمال، نوعی تأثیر تکوینی و حقیقی است. به عبارت دیگر، عمل فاقد نیت و انگیزه کالبد مرده است که با روح و جان انسان ارتباط پیدا نمی‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۲۳ - ۱۲۲). مقصود از نیت همان داعی و انگیزه الهی و پیروی از حق تعالی است، که ذیل عنوان اخلاص به آن می‌پردازیم. در راستای تبیین مؤلفه‌های فضیلت‌گرایی غایت‌محور، به تفصیل به برخی از اصول هنجاری اخلاق فضیلت شهید سلیمانی در حوزه نظامی خواهیم پرداخت. درک این اصول می‌تواند به تحقق این الگوی اخلاقی کمک شایانی نماید.

۱. مراعات اصول و احکام الهی در صحنه نظامی و مبارزه با دشمن (اجتناب از تجاوز، نسل‌کشی و سلاح‌های کشتار جمعی)

قرآن کریم به صراحت تأکید می‌کند که باید در میدان نبرد از اصول اخلاقی و انسانی و تقوا و فضیلت تعدی نکنید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره / ۱۹۰). خدای متعال به مجاهدان اسلام سفارش می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده / ۸).

دشمنی قوم نباید سبب شود که از عدل و انصاف دور شویم و با تقوا رفتار نکنیم. مراقبت از حدود شرعی در هر شرایطی، حتی در میدان جنگ، از خصوصیات اخلاق هنجاری شهید حاج قاسم سلیمانی بود. وجه بارز نظام رفتاری ایشان، فضایل اخلاقی و پایبندی به آن در شرایط سخت نظامی و فارغ از این میدان بود. بالاینکه جنگ شرایط خاص خود را دارد و به دلیل اضطرار، بسیاری از حرام‌ها رنگ حلال به خود می‌گیرد، تا چه رسد به امر مشتبّه بین حرام و حلال، شهید والامقام به دلیل

وارستگی درونی و قوت باطنی و روحی‌اش، متشرع به رعایت حرام و حلال بود و نه تنها از محرمات، بلکه به شدت از مشتهیات اجتناب می‌کرد (قادری، ۱۴۰۱: ۵). به فرمایش مقام معظم رهبری:

او فرماندهی جنگ‌آور و مسلط بر عرصه نظامی بود. به شدت مراقب حدود شرعی بود. آنجا که نباید سلاح به کار رود، سلاح به کار نمی‌برد. در میدان جنگ نیز حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد. مراقب بود که به هیچ‌کس ظلم و تعدی نشود. احتیاط‌هایی می‌کرد که کسی معمولاً در عرصه نظامی بسیاری از این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند و اهل رعایت حدود شرعی نیستند. به دهان خطر می‌رفت، اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد. ایشان مراقب جان نزدیکان، سربازان و همکارانش که از ملتهای دیگر در کنار او می‌جنگیدند بود (بیانات: ۱۸/۱۰/۱۳۹۸، دسترسی در: <https://khl.ink/f/44628>).

یکی از یاران پیامبر ﷺ به نام رباح بن ربیعہ نقل می‌کند: در یکی از جنگ‌ها با پیامبر ﷺ بودم. ایشان جنازه زنی را دیدند و بسیار ناراحت شدند. فرمودند: چرا این زن را کشته‌اند؟ او سزاوار کشته شدن نبود. رسول خدا ﷺ در آن لحظه از کشتن زنان و کودکان نهی فرمودند (متقی هندی، ۱۴۳۱ ق: ۴ / ۳۹۱). همچنین، در یکی از غزوات گزارش کردند که دختری را میان صف‌ها کشته‌اند. نبی گرامی اسلام ﷺ بسیار ناراحت شدند. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا ﷺ، چرا ناراحت شدید؟ او دختر یکی از مشرکان و کفار بود. ایشان فرمودند: «این حرف چه معنایی دارد؟ اینها هنوز بر فطرت پاک خود هستند. مگر شما فرزندان مشرکان نبودید؟ هرگز کودکان را نکشید» (قطب، ۱۳۹۱: ۲۷۳).

نمونه این فضایل اخلاقی را از سلوک شهید سلیمانی در میدان مبارزه با دشمن روایت و نقل کرده‌اند. آنجا که یکی از فرماندهان داعش در تلاش برای رساندن همسرش به بیمارستان بود، از اینکه رفعت و منش انسانی و برخورد شایسته شهید سلیمانی در اجازه عبور از خط و رفتن به بیمارستان را دید متحیر ماند. تصاویر خواندن نماز جماعت ایشان و هم‌زمانش در میدان جنگ، عبور و مرور ایشان در صحنه نبرد با حداقل امکانات و بدون تشریفات، نشست و برخاست با هم‌زمان و خوش‌رفتاری و گفت‌وگوی صمیمانه با آنها نمونه‌هایی از مؤلفه‌های زیست اخلاقی و فضیلت‌گرایی او در صحنه نظامی بود. یکی از دلایل محبوبیت ایشان نزد مردم و هم‌زمانش همین ویژگی بارز اخلاقی وی بود. به تعبیر قرآن، مؤمن کسی است که اعتقاد قلبی به دستوره‌های الهی داشته باشد و به آنها عمل کند. در این صورت است که محبوب خداوند متعال می‌شود و زندگی نیکو و سعادت‌مندی خواهد داشت. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر زمان که رسول خدا ﷺ می‌خواستند لشکری

اعزام کنند، آنها را در مقابل خود می‌نشانند، فرمانده و سپاه را به تقوا و پرهیزکاری سفارش می‌کردند و می‌فرمودند: به نام خدا حرکت کنید و به نام خدا و در راه خدا جنگ کنید؛ یعنی هدف شما خدا باشد و در غنایم به یکدیگر خیانت نورزید و هیچ مقتولی را مثله نکنید (یعنی گوش و بینی و سایر اعضای او را نبرید) و پیمان‌های خود را نشکنید. پیرمردان و پیرزنان و کودکان را نکشید و هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اینکه ناچار باشید، و هرکس از مسلمانان، اگرچه فردی عادی باشد، به یکی از کفار برای استماع کلام خدا امان داد، امان او را محترم شمارید. اگر اسلام را پذیرفت، برادر دینی شماست، وگرنه، او را به محل خود بازگردانید و از خداوند طلب یاری کنید (حر عاملی، ۱۴۲۴ ق: ۱۱ / ۴۸).

سلوک شهید سلیمانی نمونه منش و بینش یک مؤمن واقعی است که در سخت‌ترین شرایط (میدان جنگ) به دستورهای الهی عمل می‌کرد. در یکی از سخنرانی‌های خود در دفاع مقدس بیان می‌دارد: «جبهه صرفاً محل انجام واجبات نیست، بلکه فراتر از آن، مستحبات باید رعایت شود» (بیانات شهید، تسنیم). به تعبیر قرآن کریم، «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (فرقان / ۶۴). زمانی که با برخی از یارانش از یکی از خانه‌های سوریه که خالی از سکنه بود، به عنوان مقری برای مبارزه با داعش استفاده کرد، نامه‌ای به خانواده سوری نگاشت. در این نامه آمده است:

خانواده عزیز و محترم، سلام علیکم. من برادر فقیر شما، قاسم سلیمانی هستم. شما من را مطمئناً می‌شناسید. من شیعه هستم و شما اهل سنت هستید. البته ما هم به شکلی سنی هستیم؛ چون معتقد به سنت رسول‌الله هستیم و ان شاء الله تلاش می‌کنیم به شیوه ایشان عمل کنیم و شما هم به شکلی شیعه هستید؛ چون اهل بیت علیهم‌السلام را دوست دارید. ... از شما عذرخواهی می‌کنم که بدون اجازه از خانه‌تان استفاده کردیم. اگر خسارتی به خانه شما وارد آمده، آماده پرداخت بهای آن هستیم. این شماره تلفن منزل من در ایران است. اگر فکر می‌کنید دینی به گردن ماست، لطفاً تماس بگیرید. من آماده‌ام هر کار بخواهید انجام دهم (نامه شهید در عملیات آزادسازی البوکمال: ۱۳۹۶/۹/۳۰).

شهید حاج قاسم سلیمانی مصداق آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال / ۲۹) بود. او فرماندهی خستگی‌ناپذیر و از جنس مردم بود که در تمام عملیات‌ها در طول شبانه‌روز در کنار نیروهایش بود. در موقعیت‌های بسیار خطرناک در میدان جنگ و در حال هدایت نیروها و اجرای عملیات توأم با منطق و رعایت حدود الهی و ارزش‌های اخلاقی و انسانی بود؛ ضمن اینکه در شرایط سخت راه برون‌رفت از

مشکلات را می‌یافت. به واسطه تقوا در میدان نظامی بر مشکلات فائق می‌آمد:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا × وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدَرًا (طلاق / ۳ - ۲).

در یکی از صحبت‌های ضبط‌شده از ایشان در میدان نبرد با داعش آمده است:

ما اینجا که هستیم باید حلال و حرام و زندگی مردم را دقت و مراقبت نماییم. خانه مردم را بدون اذن آنها نمی‌توانیم تصرف کنیم. اینجا نزدیک‌ترین نقطه به خداست (بیانات شهید حاج قاسم سلیمانی).

این سخنان در رفتار و عملکرد ایشان نمود داشت و هم‌زمانش نمونه‌های متعددی از رفتار انسانی و اخلاقی وی در میدان نظامی را گزارش کرده‌اند.

۲. نوع‌دوستی و دفاع از مظلوم (مصونیت کودکان، سال‌خوردگان و مصدومان)

نوع‌دوستی از صفات بارز نفسانی و از ملکات اخلاقی مؤمنان است. قرآن کریم خصوصیات مؤمن را این‌گونه توصیف می‌کند: مؤمن رحمت بر خودی و شدت و سختی بر دشمن و تولا و تبرا دارد:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (فتح / ۲۹).

مؤمن در درجه اول «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است. یکی از ویژگی‌های اخلاقی شهید سلیمانی در مقابل کفار سخت ایستادن و مانند سد مستحکمی در مقابل متجاوزان و دشمنان مقاوم بودن است. ویژگی دیگر انسان‌های مؤمن مطابق این آیه شریفه این است که مؤمن ولی مؤمن است و در برابر سایر انسان‌های خداجو مهربانی و عطوفت دارد. شهید سلیمانی در یک جمله «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» بود. با دشمنان سرسخت، سازش‌ناپذیر، تیز و برنده و با دوستان بسیار متواضع، گرم، صمیمی و پرعطوفت بود. منش اخلاقی شهید این‌گونه بود (حجازی، خبرگزاری مهر: ۱۳۹۹). به فرمایش رهبر معظم انقلاب:

روحیه فداکاری و نوع‌دوستی داشت؛ یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند اینها مطرح نبود. نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت (بیانات: ۱۳۹۹/۹/۲۶، دسترسی در: <https://khl.ink/f/46944>).

حسین امیر عبدالهیان، معاون وقت عربی‌آفریقایی وزارت امور خارجه، درباره دفاع شهید سلیمانی از مظلوم و مبارزه با متجاوز می‌گوید:

زمانی که داعش می‌رفت تا اربیل را به محاصره کامل خود درآورد، سرکنسول ایران در اربیل با من تماس گرفت و گفت: مردم و حتی خاندان بارزانی اربیل را ترک کرده‌اند. در آن شرایط بحرانی، مسعود بارزانی، رهبر اقلیم کردستان عراق، بیش از پنج مرتبه از نیروهای آمریکایی و ائتلاف ضد داعش درخواست کمک کرد، اما آمریکایی‌ها به این درخواست‌های بارزانی هیچ پاسخی ندادند. در این شرایط، از جمهوری اسلامی درخواست کمک کرد و سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در راستای اهداف سیاسی جمهوری اسلامی، با یک پرواز وارد فرودگاه اربیل شد تا مستقیماً عملیات شکست محاصره اربیل را فرماندهی کند. شهید سلیمانی با هفتاد نفر از نیروهایش، اربیل را از سقوط حتمی نجات داد («سردار سلیمانی و ۷۰ نفر از نیروهایش چگونه اربیل را نجات دادند؟»، ۱۳۹۶/۹/۱۰، دسترسی در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/01/1579804>

شهید حاج قاسم در وصیت‌نامه خود این‌گونه فضیلت دفاع از مظلوم را بیان می‌دارد:

ای خدای عزیز، همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد که همان گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم است.

همچنین، در نامه‌ای که برای دخترش نگاشته است می‌گوید:

این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم. تو می‌دانی من قادر به دیدن بریدن سر مرغی هم نیستم. من اگر سلاح به دست گرفته‌ام، برای ایستادن در مقابل آدم‌کشان است، نه برای آدم کشتن. خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می‌بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم. نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعه مظلوم که ناقابل‌تر از آنم، بلکه برای آن طفل وحشت‌زده بی‌پناهی که هیچ ملجائی برایش نیست؛ برای آن زن بچه‌به‌سینه‌چسبانده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب، که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است می‌جنگم. عزیزم، من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی‌خواهد و نباید بخوابد تا دیگران در آرامش بخوابند. بگذار آرامش من فدای آرامش آنان بشود و بخوابند. دختر عزیزم، شما در خانه من در امان و با عزت و

افتخار زندگی می‌کنید. چه کنم برای آن دختر بی‌پناهی که هیچ فریادری ندارد و آن طفل گریان که هیچ‌چیز ندارد و همه‌چیز خود را از دست داده است؟ پس، شما مرا نذر خود کنید و به او واگذار نمایید. بگذارید بروم. دخترم، خیلی خسته‌ام. سی سال است که نخوایده‌ام. من در چشمان خود نمک می‌ریزم که پلک‌هایم جرئت بر هم آمدن نداشته باشد تا نکند در غفلت من آن طفل بی‌پناه را سر ببرند. وقتی فکر می‌کنم آن دختر هراسان تویی، نرجس است، زینب است و آن نوجوان و جوان در مسلخ‌خوابانده که در حال سر بریده شدن است، حسینم و رضایم است، از من چه توقعی دارید؟ نظاره‌گر باشم، بی‌خیال باشم، تاجر باشم؟ نه، من نمی‌توانم این‌گونه زندگی بکنم.

در آیات آخر سوره مبارکه انفال، که بحث ولایت مؤمنان با یکدیگر است، خدای متعال می‌فرماید: «أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». این آیه راجع به مؤمنان است. درباره کفار در آیه بعد می‌فرماید که آنها هم «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛ هم مؤمنان اولیای یکدیگرند و با همدیگر پیوند ولایتی دارند، هم کفار با یکدیگر پیوند ولایتی دارند. پس، این به زبان اخبار تکلیف است، اما درواقع انشاست و معنایش این است که مؤمن هر جای دنیای اسلام که باشد، باید با مؤمن پیوند ولایتی داشته باشد؛ آن‌گونه که شهید سلیمانی می‌اندیشید و به فکر همه مؤمنان مظلوم سرتاسر گیتی بود. سپس می‌فرماید: «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ». چنانچه این ولایت بین مؤمنان و قطع ولایت بین مؤمنان و کفار رعایت نشود، در زمین فتنه و فساد کبیر به وجود می‌آید. این راهی است که مسلمانان را خوشبخت می‌کند (بیانات: ۱۳۹۷/۲/۶، دسترسی در: <https://khl.ink/f/39457>).

یکی از ویژگی‌های بارز شهید سلیمانی همین دفاع قاطع از مظلومان سراسر دنیا و مبارزه بی‌وقفه با ظالمان بود. ایشان در زمان عمر بابرکتش، چه در زمان دفاع مقدس و چه پس از آن دوران، با شهادت و قاطعیت هرچه‌تمام‌تر به دفاع از مرزهای کشورش و تقویت جبهه مسلمانان مظلوم در خاورمیانه و قاره آسیا پرداخت. وی در عین اشداء علی الکفار بودن، با مظلومان و محرومان بسیار رئوف و مهربان بود. در زمان فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله و سپاه قدس، به تک‌تک خانواده‌ها و فرزندان شهدا سر می‌زد و از احوال آنها باخبر بود. درواقع، شهید حاج قاسم سلیمانی مصداق بارز این آیه شریفه قرآن کریم بود: «لِيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ». اگر دیدیم رفتار ما جوری است که دشمنان دین، دشمنان اسلام، دشمنان حاکمیت قرآن در برابر ما خشمگین و از وجود ما ناراحت نیستند، باید در مفید بودن خودمان شک کنیم. اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و آن قاطعیت و آن حرکت را دارد، باید کسانی مثل معاویه یا عمرو عاص از او خشمگین باشند (بیانات: ۱۳۹۴/۵/۲۶، دسترسی در: <https://khl.ink/f/30524>).

دشمنان اسلام چون او را شناخته، خدمات او به انسان‌های آزاده را دیده و از مقابله عاجز مانده بودند، چاره‌ای جز ترور و به شهادت رساندن وی نداشتند.

قرآن کریم در آیات متعددی، پذیرش ظلم و ستم را مذموم دانسته و بر مقاومت در برابر ظالمان و یاری‌رسانی امت اسلامی به مظلومان و مستضعفان تأکید کرده است. یکی از این آیات که به بیان این مسئله پرداخته آیه ۳۹ سوره شورا است که خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ». مرحوم طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه آورده است:

مؤمنان کسانی‌اند که چون ببینند به یکی از مؤمنان ظلم شده، از دیگران طلب نصرت می‌کنند و چون همگی بر سر حق متفق و چون یک تن واحدند، قهراً اگر به یکی از ایشان ظلم شود، مثل این است که به همه ایشان ظلم شده است. با یک دل و در یک جهت در مقابل آن ظلم مقاومت می‌کنند و نیروی خود را در یاری او به کار می‌بندند (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۸ / ۹۳).

شهید حاج قاسم سلیمانی در حمایت از مظلوم، نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کرد. ایشان همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، با مقاومت اهل سنت در فلسطین نیز داشت. مسئله برای وی، دفاع از هویت اسلامی و حمایت از مظلوم بود.

۳. صدق (شجاعت توأم با تدبیر)

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در جایگاه فرمانده کل قوا، در یکی از بیاناتشان، در توصیف شخصیت شهید سلیمانی، تأکید بر صدق را به عنوان یکی از عناصر مهم قرآنی شخصیت ایشان می‌دانند و به تفصیل آن می‌پردازند:

ایشان حقیقتاً مظهر صدق بود: «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب / ۲۳). آن‌طور که ما از نزدیک کار او را دیدیم، واقعاً مظهر تلاش و کار خستگی‌ناپذیر بود. گاهی اوقات که به یک کشوری می‌رفت، برمی‌گشت و برای ما گزارش می‌فرستاد. وقتی این گزارش را می‌خواندم، از حجم کار عظیمی که در این چند روز اتفاق افتاده، حیرت می‌کردم. من از تعدادی از این گزارش‌ها یک نسخه پیش خودم نگه داشته‌ام. روی آن نوشته‌ام که این را نگه می‌دارم برای اینکه در آینده معلوم بشود که این مرد چقدر کار خستگی‌ناپذیر همراه با شجاعت انجام می‌داده است؛ یعنی کاری که معمولی نیست و احتیاج به شجاعت و شهامت دارد؛ کاری که توأمان متکی به عقلانیت، شجاعت و تدبیر

تحسین‌برانگیز بود. هم دشمن را درست می‌شناخت و هم ابزارهای دشمن را می‌دانست؛ یعنی این‌طور نبود که شهید سلیمانی نداند امکانات دشمن که می‌شود از آن استفاده کرد و ضربه زد، چیست؛ امکانات دشمن را هم کاملاً می‌شناخت؛ اما درعین‌حال با کمال شهامت و قدرت وارد میدان می‌شد. از دشمن بیم نداشت و راه کار را با تدبیر انتخاب می‌کرد. در جمع بعضی از مسئولین سطح بالای کشور - هم در حضور و هم در غیاب خودش - چند بار این حرف را زدم که کار را با تدبیر انجام می‌داد. شجاعتش یک جور، که قضایای کارهای شجاعانه او حالا می‌بینم، سر زبان‌هاست؛ کارهایی را که با تدبیر انجام می‌داد و با دقت بود، جور دیگر. «صدق» این است و معنای «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ» این است (بیانات: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱، دسترسی در: <https://khl.ink/f/49260>).

شجاعت به معنای قوت قلب است. هرچه شدت آن بیشتر شود، ارزش و اهمیت آن بیشتر می‌شود. مقوله‌ای است که افراط و تفریط در آن راه ندارد. خدای سبحان در قرآن کریم ویژگی مبلغان الهی را ترس از خدا و نهراسیدن از غیر خدا می‌داند و می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب / ۳۹). دشمنان شهید سلیمانی را تهدید کرده بودند که تو را به قتل خواهیم رساند. ایشان به دوستانش گفته بود که من را به چیزی تهدید می‌کنند که در کوه و بیابان و پست و بلند دنبالش می‌گردم (بیانات: ۱۴۰۰/۲/۱۲، دسترسی در: <https://khl.ink/f/47776>).

تدبیر را از ماده دبر به معنای بررسی نتایج و عواقب چیزی دانسته‌اند؛ به‌عکس تفکر که بیشتر به بررسی علل و اسباب چیزی گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴ / ۲۸). واژه تدبیر بسیار وسیع‌تر از واژه‌های مترادف چهارگانه تفکر، تعقل، تذکر و تفته است و در درجات و مراتب بالاتری از آنها قرار دارد. جایگاه اصلی تدبیر قلب، و یکی از اوصاف انسان‌های مؤمن است. در زیست اخلاق نظامی حاج قاسم صدق، شجاعت و تدبیر وصف پایدار و حقیقی فرمانده نظامی را شکل می‌دهد که به لحاظ هنجاری، زیربنای تمام تصمیمات و عملکرد وی را در حوزه جنگ می‌سازند. درحقیقت، این شجاعت ناشی از ذکاوت و اخلاص ایشان بود.

شجاعت و دلاوری از عواملی است که در پیروزی، نقش کلیدی دارد. یکی از جنگ‌های صدر اسلام جنگ احزاب است. تصویری که قرآن کریم از لشکر اسلام ارائه می‌دهد، بسیار آموزنده است. در مقابل افراد بزدل و ترسو لشکر اسلام، افراد شجاع و نترسی بودند که مشاهده لشکر دشمن در جنگ احزاب، هیچ تأثیری بر عزم و اراده آهنین آنان نمی‌گذاشت. قرآن می‌فرماید:

وَكَمَا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (احزاب / ۲۲).

در توصیف شجاعت بی‌نظیر شهید سلیمانی، که مصداق این آیه شریفه است، مقام معظم رهبری می‌فرماید:

حاج قاسم در مقابل همه نقشه‌هایی که با پول، توانایی و تأثیرگذاری سیاسی و تشکیلات وسیع آمریکایی‌ها شکل می‌گرفت، قد علم کرد و آنها را خنثی و بی‌نتیجه کرد. وی از دفاع مقدس تا پایان عمر پربرکتش با شجاعت به دل خطر می‌رفت. نه تنها در میدان نظامی، بلکه در میدان سیاست هم شجاعت داشت؛ به گونه‌ای که سخنانش قانع‌کننده، منطقی و تأثیرگذار بود. شجاعت ایشان توأم با تدبیر، فکر و منطق بود (بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: <https://khl.ink/f/44628>).

مبارزه شجاعانه حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر بت‌پرستان لجوج، متعصب و خطرناکی که از سوی حکومت وقت حمایت و پشتیبانی می‌شدند، نشان‌دهنده قوت قلب و نترسی ایشان است. این پیامبر با صراحت و شجاعت تمام اعلام می‌کنند: «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَكُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء / ۵۷). سرانجام، حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به گفته خود عمل می‌کنند و در زمان مناسب، همه بت‌ها به جز بت بزرگ را می‌شکنند: «فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء / ۵۸). سردار شهید سلیمانی هم نمونه بارز این آیه شریفه قرآن است. در برابر تحجر، تجاوز و ظلم دشمنان اسلام بدون اندکی ترس و واهمه و با عزت و اقتدار ایستادگی کرد. نقشه‌های راهبردی ایشان در کمک به حزب‌الله لبنان و شکست اسرائیل در لبنان و غزه نمونه‌ای از شجاعت بی‌بدیل ایشان در میدان نظامی است. همانند حضرت ابراهیم علیه السلام سوگند یاد کرد و بت خطرناک داعش و گروه‌های تکفیری را شکست و با تمام توان در برابر ظلم، تعدی و تحجر، که با پول و ثروت زورگویان عالم حمایت می‌شد، ایستاد. فرماندهان سوری با تمام وجود به ایشان ایمان و اعتماد داشتند و حضور ایشان را مایه قدرت خود می‌دانستند. حضور حاج قاسم در منطقه بار روانی مثبتی برای نیروها داشت. اگر ایشان وعده‌ای می‌داد، می‌دانستند حتماً محقق خواهد شد. شجاعت، نترسی و استقامت حاج قاسم در میدان و شرایط سخت و بحرانی آنها را مجذوب ایشان کرده بود. اصلاً مشخص نبود حاج قاسم در کشور دیگری دارد می‌جنگد. هرکسی را به خضوع وادار می‌کرد و در شرایط سخت، ملجأ و پناه همه بود (قلی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۵، سخنان رحیم نوعی‌ا قدم، فرمانده قرارگاه حضرت زینب در سوریه). این شهید

والامقام در وصیت‌نامه‌اش شجاعت را ویژگی بارز فرماندهان نظامی می‌داند: «ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرتِ اداره بحران قرار دهید.» مقام معظم رهبری تدبیر را در کنار شجاعت یکی از خصایص شهید حاج قاسم سلیمانی می‌دانند و در تبیین این ویژگی برجسته شهید می‌فرمایند:

برخی شجاعت دارند، اما تدبیر و عقل لازم را برای به کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند، اما اهل اقدام و عمل نیستند. خنثی کردن نقشه‌های نامشروع آمریکا در غرب آسیا نمونه‌ای از تدبیر ایشان بود. تأثیرگذاری بی‌بدیل سردار شهید سلیمانی در مسئله فلسطین به‌گونه‌ای بود که دست فلسطینی‌ها را پر کرد و به آنها جرئت و توان مبارزه داد. حاج قاسم کاری کرد که منطقه کوچکی مانند غزه در مقابل صهیونیست‌های پرمدا بایستد. ایشان به کمک مرجعیت دینی، عناصر مؤمن و جوانان شجاع عراقی رفت و در مقابل نقشه‌های پلید آمریکا ایستاد و آن را خنثی کرد. نقش شهید شجاع و باتدبیر ما در مسئله لبنان نیز ممتاز و برجسته بود. کاری کرد حزب‌الله که دست و چشم لبنان است، روزه‌روز قوی‌تر شود (بیانات: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، دسترسی در: <https://khl.ink/f/44628>).

در تفسیر نور آمده که تدبیر ارزشی است که به خاطر آن می‌توان سوگند یاد کرد: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أُمراً» (نازعات / ۵). اهمیت تدبیر در جریان حیات به اندازه‌ای است که در این آیه به آن سوگند خورده شده است؛ خواه مقصود از مدبرات فرشتگان باشند یا عموم تدبیرکنندگان؛ زیرا عظمت موضوعی که شایستگی سوگند را دارد، خود فعالیتِ عقلانی تدبیر است. گرچه غالباً حاج قاسم را یک نظامی تمام‌عیار می‌شناسند، وی با مدیریت خارق‌العاده هم‌زمان جنگ و مذاکره، توانست معجزاتی خیره‌کننده را در آسیای غربی محقق کند. تقریباً تمام آرایش فعلی صحنه‌های نبرد در آسیای غربی را باید نتیجه طراحی‌های او دانست (قلی‌زاده، ۱۳۹۹: ۴، سخنان صمدی). از نمونه‌های تدبیر ایشان همین بس که تشخیص داد سه ماه دیگر پایان حکومت داعش است. این، خود، راهبرد عملیاتی است. درحقیقت، نمودار نزولی داعش به فرمانده راهبردی نشان می‌دهد که این حکومت سه ماه دیگر به پایان می‌رسد (حجازی، ۱۳۹۹: خبرگزاری مهر، دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/5110301/>).

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش در توصیف تدبیر، که ویژگی بارز وی بود، ذکر می‌کند که فرمانده باید دارای شناخت بموقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم بموقع و عمل بموقع باشد. هریک از اینها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی اثر جدی دارد.

۴. انگیزه الهی (اخلاص)

یکی از مراتب والای شجاعت که بالاتر از آن مقامی نیست، چیرگی بر صفات ناپسند و ریشه‌کن کردن آنها از وجود انسان و نشان دادن نهال فضایل در جان و دل است. این مهم جز با مجاهدت و فضل و رحمت خداوند ممکن نمی‌شود و این مرتبه از شجاعت ارتباط عمیقی با اخلاص و مسئله تقوا دارد. درواقع، شجاعت و شهامت حاج قاسم ریشه در اخلاص و تقوای او داشت. او دورانیش و مدبر بود. این مسئله باعث می‌شد توفیقات بزرگی را برای اسلام و انقلاب به دست آورد و در هر کاری موفق شود و این روحیه او را تبدیل به مکتب کرد (قلی‌زاده، ۱۳۹۹: ۷۲ - ۷۱، سخنان جعفری). شهید سلیمانی در طول عمر بابرکتش به انحای مختلف در معرض امتحان الهی قرار گرفت و در همه این سال‌ها با شجاعت منحصربه‌فردش از آزمون‌های سخت و دشوار الهی سربلند بیرون آمد و با سعادت و عزت دیدار حق تعالی را لبیک گفت. ایشان، چه در میدان جنگ و مبارزه با شیاطین و اشرار عالم، چه در میدان مبارزه با هوای نفس و غلبه بر اوصاف ناپسند اخلاقی و چه در گذشتن از دنیا و مطامع آن، نمونه انسان برجسته و شجاع بود، که در همه این میدان‌ها پیروز شد. شجاعت ایشان در همه این فرازونشیب‌ها ستودنی و بی‌نظیر است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مراسم اعطای نشان ذوالفقار، اخلاص شهید سلیمانی را بالاتر از همه خصایص وی دانستند و در زمینه اخلاص مثال‌زدنی ایشان فرمودند:

خدای متعال به این برادر بسیار عزیزمان (آقای سلیمانی) توفیق داده. ایشان بارها و بارها جان خود را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لله مجاهدت کردند (بیانات: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/41943>).

از نگاه ایشان، شهید حاج قاسم سلیمانی امتیازات بسیاری داشتند؛ منتها خصوصیات وی را ویژگی‌های ماورایی و دست‌نیافتنی نمی‌دانند، بلکه معتقدند:

اوصاف وی خصوصیات یک انسان زنده‌ای است که جلو ما دارد حرکت می‌کند: «يَاكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» (فرقان / ۷)؛ یعنی این‌جور نباشد که تصور بشود که این یک جایگاه دست‌نیافتنی است (بیانات: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲، دسترسی در: <https://khl.ink/f/51764>).

فرمانده کل قوا، در جایگاه بالاترین شخصیت نظامی امت، که شهید سلیمانی در ترسیم و انجام عملیات‌های مختلف نظامی برون‌مرزی از مشورت‌ها و هدایت‌های ایشان بهره‌مند بود، مطابق با آیات

قرآن کریم، اخلاص و صدق را دو عنوان قرآنی تشکیل‌دهنده حرکت شهید سلیمانی می‌دانند:

«صدق» یعنی همان چیزی که در آیه شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب / ۲۳). «اخلاص» هم همین است که در آیات متعدد قرآن، از جمله این آیه شریفه «قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ» (زمر / ۱۱). اگر اخلاص نباشد، کار بی‌برکت می‌شود. اینکه می‌بینید کار برکت پیدا می‌کند، به خاطر اخلاص است. اخلاص شهید سلیمانی را از کجا می‌شود فهمید؟ از اینجایی که اصلاً دنبال دیده شدن نبود. او از دیده شدن فرار می‌کرد. حالا جوری شده که همه دنیا دارند او را می‌بینند؛ همه دنیا دارند او را می‌بینند. کار را برای خدا می‌کرد، تظاهر نداشت، لاف‌زنی نداشت (بیانات: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱، دسترسی در: <https://khl.ink/f/49260>).

بر اساس سخنان مقام معظم رهبری، یکی دیگر از راه‌های فهم اخلاص شهید سلیمانی، تلاش و مجاهدت شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر او در میدان مبارزه بود. برخی از هم‌رزمانش می‌گویند: گاهی از شدت خستگی و بی‌خوابی شبانه‌روزی، چشمانش قرمز می‌شد. شروع عملیات‌ها با صحبت‌های ایشان بود. در یکی از عملیات‌ها که با اصرار ما برای چند دقیقه خوابید، دلمان نیامد بیدارش کنیم. زمانی که بیدار شد، بی‌سیم را گرفت و با نیروهای خط مقدم صحبت کرد (روایت سردار چهارباغی از فرماندهی حاج قاسم، ۱۴۰۰، تسنیم، دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/10/14/2637624>). شهید سلیمانی حدود شصت سال داشت، اما در کوه و دشت و بیابان و همه‌جا مثل جوانان حرکت می‌کرد و از هیچ‌چیز نمی‌ترسید. گاهی در ۲۴ ساعت شبانه‌روز، در کشوری، به‌قدری تلاش و فعالیت می‌کرد که آدم از خواندنش احساس خستگی می‌کرد که در ظرف ۲۴ یا ۳۶ ساعت چقدر تلاش و تحرک انجام گرفته است (بیانات: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/47066>). کار بدون تظاهر وی برای خداوند از مهم‌ترین فضایل اخلاقی وی در همه فعالیت‌هایش بود.

نتیجه

بررسی سلوک شهید حاج قاسم سلیمانی به مثابه عالی‌ترین فرمانده نظامی که نمونه‌ای بی‌بدیل در دنیاست، در حیطه اخلاق هنجاری جنگ بسیار حائز اهمیت است. ضرورت مطالعه اخلاق جنگ از خلال رفتار و منش شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده برجسته نظامی جهان اسلام، از آن‌روست که دستورالعمل‌های اسلامی در حیطه مسائل نظامی در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی مؤثر است و با معرفی الگوهای اخلاقی رده بالای نظامی به جامعه جهانی، ضمن شناسایی زوایای پیدای و پنهان

شخصیت آنها، سبب معرفی الگوهای اسلامی تراز نظامی در صحنه خشونت‌بار جنگ می‌شود. جست‌وجوی مؤلفه‌های اخلاق نظامی در اندیشه و رفتار شهید سلیمانی حاکی از آن است که از میان آرا و نظریات متعدد در حوزه فلسفه اخلاق و فضیلت‌گرایی غایت‌محور، سنگ بنای تفکر اخلاقی وی در حوزه اخلاق نظامی است. مدل اخلاقی شهید سلیمانی در حوزه جنگ و نظامیگری، ویژه و منحصر به فرد است که خود دال بر نبوغ خاص و شخصیت والای اوست. در الگوواره اخلاق نظامی وی که فضیلت‌محوری غایت‌گراست، شواهد رفتاری متعدد و شاخص‌هایی وجود دارد که سبب تأیید و تقویت این مدل اخلاقی می‌شود. همین الگوواره اخلاقی شهید سلیمانی در جنگ یکی از عواملی است که شخصیت شهید را به عنوان مدل برتر و موفق نظامی به جامعه بشری معرفی می‌کند. مؤلفه‌های درون‌متنی اخلاق هنجاری این الگوواره عبارت‌اند از:

۱. شجاعت توأم با تدبیر شهید سلیمانی در میدان‌های جنگ نمونه عینی از اخلاق نظامی ایشان است؛

۲. تأکید شهید حاج قاسم سلیمانی بر ایمان و تقوا در همه ابعاد نظری و عملی در حوزه نظامی خود شاهدی دیگر بر این مدعاست. این فرمانده شجاع و قوی در محراب عبادت و در دیدار با رزمندگان و خانواده‌های آنها به‌گونه‌ای تضرع، فروتنی و کرنش توأم با محبت و عاطفه داشت که هیچ‌گاه فرماندهی و درجه نظامی ایشان به چشم نمی‌آمد؛

۳. اصل نوع‌دوستی، دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم، مصونیت کودکان، سال‌خوردگان، مصدومان و اجتناب از نسل‌کشی و تجاوز و استفاده نکردن از سلاح‌های کشتار جمعی از مؤلفه‌های مهم فضیلت‌گروی غایت‌نگر نظامی این الگوی برجسته بود؛

۴. در باور و منش شهید سلیمانی، الگوهای اخلاقی که انسان‌های کامل و واسطه فیض الهی هستند، مدل عینی و جذاب طراحی رفتار و اعمال انسان بر پایه فضیلت‌گرایی غایت‌محورند. از سوی دیگر، با تکیه بر فضیلت‌مداری الگوگرا (روایت لیندا زاگربسکی) که گونه‌ای از نظریه فضیلت‌گرایی است و بر اشخاص الگوی خوب تأکید می‌شود و از مسیر سلوک و رفتار آنها، افراد جامعه را می‌توان به اخلاق‌مدار بودن تشویق کرد و به سمت رشد اخلاقی سوق داد.

باید در اوصاف و کمالات اخلاقی و انسانی شهید سلیمانی تأمل و تدبر کرد و در ابعاد مختلف، زندگی فردی، اجتماعی و شخصیت‌ایمانی ایشان را اسوه قرار داد و در جهت معرفی ایشان و کشف ابعاد مختلف شخصیت جهادی‌اش کوشید.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. الهامی، داوود، ۱۳۷۸، «اخلاق جنگ»، ماهنامه مکتب اسلام، ش ۱.
۲. باقری، سمیه و لیلی محمدی بخشش، ۱۳۹۲، «اخلاق نظامی پیامبر ﷺ در جنگ»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره پیاپی ۲۶.
۳. پینکافس، ادموند، ۱۳۸۲، از مسئله محوری تا فضیلت‌گرایی، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی و مهدی علی‌پور، قم، نشر معارف.
۴. جوادی، محسن، ۱۳۷۵، مسئله باید و هست (بحثی در رابطه ارزش و واقع)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۵. حاج اسماعیلی، محمدرضا و مهدی حبیب‌اللهی، ۱۳۹۱، «بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»، پژوهش‌نامه اخلاق، سال پنجم، ش ۱۵.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن و حسین نوری، ۱۴۲۴ ق، وسائل الشیعه و مستدرکها، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه.
۷. حسینی رامندی، سید علی‌اکبر، ۱۳۹۹، «قرآن و غایت‌گرایی اخلاقی»، قرآن‌شناخت، سال سیزدهم، ش ۱، شماره پیاپی ۲۴.
۸. حسینی، سید مازیار و ابوالفضل خوش‌منش، ۱۴۰۱، «تبیین نسبت نظریات اخلاق هنجاری با طرح اخلاقی قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال نوزدهم، ش ۳، شماره پیاپی ۵۵.
۹. خامنه‌ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای: <https://farsi.Khamenei.ir>
۱۰. خزاعی، زهرا، ۱۳۸۰، «اخلاق فضیلت‌مدار»، نامه مفید، ش ۲۸.
۱۱. شریفی، احمدحسین، ۱۳۸۸، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، ویراست دوم، قم، دفتر نشر معارف.
۱۲. شهریار، شیما و محمدحسین نواب، ۱۳۹۴، «نظریه اخلاقی زاگربسکی: نظریه فضیلت‌مدار الگوگرا»، فلسفه، سال چهل و سوم، ش ۱.
۱۳. صادقی، هادی، ۱۳۹۹، فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین، قم، طه.

۱۴. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۶۰، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۵. فرانکنا، ویلیام کی.، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.
۱۶. قادری، محمدتقی، ۱۴۰۱، «تحلیل جامع ده خصوصیت ویژه مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، *بلاغ*. <https://www.balagh.ir/content/13945>
۱۷. قطب، سید ابراهیم، ۱۳۹۱، *اسلام و صلح جهانی*، ترجمه زین العابدین قربانی و هادی خسروشاهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. قلی‌زاده، مجید، ۱۳۹۹، «هجر حبیب (ویژه‌نامه تسنیم به مناسبت اولین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و یارانش)»، *خبرگزاری تسنیم*.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۴ ق، *اصول الکافی*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۲۰. متقی هندی، علاءالدین علی، ۱۴۳۱ ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. محلاتی، محمدجعفر، ۱۳۸۵، «اخلاق جنگ در متون ادبی و حماسی فارسی»، *پژوهش‌نامه ادب حماسی*، سال دوم، ش ۳۰.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۸، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. موزلی، الگزاندر، ۱۳۹۱، «نظریه جنگ عادلانه»، ترجمه خشایار دیهیمی، *مهرنامه*، ویژه‌نامه جنگ و صلح، تهران، هنر سرزمین سبز.
۲۷. نورمحمدی نجف‌آبادی، محمد و همکاران، ۱۳۹۷، «نظریه جنگ عادلانه و اخلاق‌مداری در جنگ در میان مسلمانان بر پایه آداب الحرب‌ها»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال چهاردهم، ش ۲۷.
۲۸. هولمز، رابرت ال.، ۱۳۸۵، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ویراست سوم، تهران، ققنوس.

29. <https://www.khabaronline.ir/news/1566306>

30. <https://www.mehrnews.com/news/5110301>

31. Orend, Brian, 2005, War Ethics, *Stanford Encyclopedia of philosophy*.

32. Swanton, Christine, 2003, *Virtue Ethics, A Pluralistic view*, Oxford university Press.

33. Tasnim news.

34. Zagzebski, 2010, "Exemplarist Virtue Theory", *Metaphilosophy*, Oxford, Blackwell publishing Ltd, January 11, V. 41.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی